

## چشم‌انداز تولید اوپک در افق ۲۰۴۰ با تاکید بر تولید سه کشور محوری

سیدغلامحسین حسن‌تاش

آخرین چشم‌انداز بین‌المللی انرژی، اداره اطلاعات انرژی امریکا (EIA) در سال ۲۰۱۳، در ماه جولای یا مرداد ماه منتشر شد. در شماره گذشته مهمترین پیش‌بینی‌های انجام شده در این چشم‌انداز تا افق ۲۰۴۰ میلادی را درج کردیم. در بخشی از چشم‌انداز مذکور به پیش‌بینی تولید اوپک در افق ۲۰۴۰ با سناریوسازی در مورد تولید ایران و عراق و عربستان، پرداخته شده که به دلیل اهمیت آن ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد. ابتدا مطالب مذکور در این پیش‌بینی در موضوع تولید اوپک و سه کشور اصلی آن آورده و سپس به نقد و تحلیل و بررسی آن خواهیم پرداخت. ضمناً لازم به توضیح است که اداره اطلاعات انرژی در مدل‌سازی و پیش‌بینی‌های خود سناریوهای مختلفی را مورد بررسی قرار می‌دهد و یک سناریوی متوسط یا قابل تحقق‌تر را بعنوان سناریوی مرجع انتخاب می‌کند.

فرض سناریوی مرجع در مدل پیش‌بینی اداره اطلاعات انرژی امریکا این است که کشورهای عضو اوپک در جهات افزایش ظرفیت تولید خود سرمایه‌گذاری خواهند نمود بطوری که این کشورها را قادر سازد که در طول دوره منتهی به سال ۲۰۴۰ میلادی، بین ۳۹ تا ۴۳ درصد کل تقاضای جهانی برای سوخت‌های مایع را تامین نمایند. تولید اعضاء خاورمیانه‌ای اوپک که در سال ۲۰۱۰ میلادی ۶۸ درصد از کل تولید اوپک برآورد شده بود، ۱۲ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت و ۸۵ درصد از کل افزایش ۱۴/۱ میلیون بشکه در روز تولید اوپک بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۴۰ را به خود اختصاص خواهد داد.

سه کشور ایران، عراق و عربستان سعودی در مجموع سهم بزرگی از منابع و ذخائر جهان که استخراج از آن نسبتاً سهل‌تر و کم هزینه‌تر می‌باشد را دارا هستند. عربستان سعودی برای چند دهه دارنده اصلی بیشترین ظرفیت مازاد تولید بوده و نقش حساسی را بعنوان تولید کننده شناور برای جبران کاهش تولید سایر کشورها و یا نوسانات اقتصادی موثر بر تقاضای نفت، بازی کرده است. ایران و عراق هر دو صاحب ذخائر و منابع

هستند و به افزایش ظرفیت خود به سطحی بسیار بالاتر از میزان فعلی نیاز دارند و این مستلزم آن است که این دو کشور بتوانند بعضی از چالش‌های موجود داخلی و خارجی خود که بیش از سی سال مانع تحقق این هدف شده است را برطرف نمایند. دشواری تعیین زمانی که هر یک از این کشورها بتوانند بر موانع موجود در سر راه افزایش عرضه خود غلبه کنند، چالشی بر سر راه پیش‌بینی میزان دقیق تولید کشورهای خاورمیانه‌ای اوپک است.

علاوه بر نااطمینانی‌هایی که معمولاً در زمینه پیش‌بینی عرضه نفت وجود دارد، احتمال اینکه آیا اعضاء خاورمیانه‌ای اوپک به نقش کلیدی خود در متعادل کردن عرضه و تقاضای بازار ادامه خواهند داد نیز مورد سؤال است. برای این منظور سطح تولید این کشورها باید دارای همبستگی منفی باشد، تحقق ظرفیت و تولید بالاتر در یک کشور باید با ظرفیت و تولید کمتر در سایر کشورها همراه باشد تا بالانس بازار حفظ شود. توسعه‌های آتی، شامل توسعه استخراج نفت از لایه‌های سخت، که بطور گسترده‌ای موضوع بحث محافل نفتی است، پتانسیل تاثیرگذاری عمده‌ای بر اتکاء اوپک بر تولید سوخت‌های مایع و رفتار تولیدکنندگان کلیدی اوپک در خاورمیانه، در دهه‌های آتی خواهد داشت.

## **عربستان سعودی**

درآمد نفتی عربستان همواره از میزان مورد نیاز برای پوشش هزینه‌های این کشور بیشتر بوده است و این مسئله این امکان را برای عربستان بوجود آورده که طی ۲۵ سال گذشته میزان تولید نفت خود را در واکنش به تغییرات عرضه و تقاضای جهانی نفت، بدون نگرانی نسبت به آثار درآمدی آن، تغییر دهد. اخیراً برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی به منظور بسط توسعه پایدار توسط دولت عربستان به اجرا گذاشته شده است. درحالی که عربستان ذخائر ارزی قابل توجهی را برای خود حفظ می‌کند، نیازهای درآمدی می‌تواند بیش از گذشته به نگرانی دولت عربستان برای حفظ ثبات خود در شرایط افزایش تولید نفت دیگر تولیدکنندگان کلیدی اوپک و یا یک کاهش دائمی در تقاضای جهانی نفت، تبدیل شود.

## عراق

دولت عراق رسیدن به تولید ۱۲ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۷ را هدف گذاری کرده است که در مقایسه با تولید این کشور در سال ۲۰۱۲ که ۳ میلیون بشکه در روز بوده است، افزایش عظیمی است. دستیابی به این هدف دور از ذهن به نظر می‌رسد و براساس سناریو مرجع نیز بیش از عرضه مورد نیاز سوخت‌های مایع برای تامین افزایش تقاضای جهانی در سال ۲۰۱۷، می‌باشد. بنظر می‌رسد که مشکلات سیاسی و محدودیت‌های زیرساختی مانع افزایش تولید در کوتاه مدت باشد. علاوه بر این تروریسم، ضعیف بودن فضای سرمایه‌گذاری، و سایر مشکلات موجود می‌تواند تولید عراق را در افق چشم‌انداز، محدود کند. البته اگر همه این مشکلات حل شود، پیشرفت عمده‌ای در زیرساخت‌های تولید و صادرات عراق می‌تواند اتفاق بیافتد و عراق را قادر سازد که نرخ بالای رشد تولید خود را تا سال ۲۰۴۰ تداوم دهد.

## ایران

تولید سوخت‌های مایع ایران که در سال ۱۹۷۴ به اوج خود در سطح ۶/۱ میلیون بشکه رسید، از ۱۹۷۹ به بعد در سطحی بسیار پائین تر از آن قرار گرفت. سپس تولید ایران بعد از رسیدن به متوسط حدود ۴ میلیون بشکه، بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ کاهش بیشتری یافت. مجموعه‌ای از تحریم‌ها که بخش نفت ایران را هدف گرفته بود، موجب شد که شرکت‌های خارجی بسیاری از پروژه‌های تولیدی و توسعه‌ای را لغو کنند. ایران با افت ظرفیت تولید نفت روبروست، چراکه میادین نفتی این کشور دارای نرخ بالای افت تولید طبیعی (بین ۸ تا ۱۳ درصد) در سال هستند. عوامل دیگری شامل نامساعد بودن الزامات و فضای سرمایه‌گذاری خارجی و عدم وجود متخصصین به میزان کافی و فقدان تکنولوژی پیشرفته، نیز سرمایه‌گذاری را محدود کرده است. تحریم‌های امریکا بر علیه موسسات مالی که وجوه نفت صادراتی ایران را جابجا می‌کردند در کنار تحریم‌های اتحادیه اروپا که واردات نفت از ایران را متوقف کرد و مانع شد که شرکت‌های بیمه اروپائی، محموله‌های نفتی ایران را بیمه کنند، موجب کاهش بیشتر صادرات نفت ایران در سال ۲۰۱۲ شد. بدون یک

تفاهم میان ایران و جامعه جهانی برای پایان دادن به تحریم‌ها، بطور فزاینده‌ای برای ایران دشوار خواهد بود که تولید خود را حفظ کند و بتوان آنرا افزایش دهد و از موهبت ذخائر خود بهره‌مند شود.

### سایر اعضاء خاورمیانه‌ای اوپک

سایر کشورهای خاورمیانه‌ای عضو اوپک، سهمی کوچکتر اما با اهمیت در عرضه نفت دارند. بعنوان مثال تقریباً کل ذخائر و تولید نفت کویت از میادین قدیمی است. اما در صورت موفقیت طرح دولت کویت، چشم‌انداز می‌تواند تغییر کند. در سال ۱۹۹۸ طرحی توسط دولت پیشنهاد شد که شرکت‌های خارجی را ترغیب کند که تولید نفت در چهار میدان شمالی بنام‌های روضتین، صبریا، الرتقاء و ابدالی را افزایش دهند. این چهار میدان ترکیبی از نفت خام‌های سبک و سنگین را دارا هستند. بعلاوه این امکان وجود دارد که کویت بتواند تولید نفت خود را از منطقه بی‌طرف واقع بین کویت و عربستان، که حدود ۵ میلیارد بشکه نفت را در خود جا داده است، افزایش دهد.



تولید سوخت‌های مایع قطر نیز ممکن است در دوره چشم‌انداز از طریق فناوری GTL افزایش یابد. این فناوری گازی طبیعی را به سوخت‌های مایع مانند گازیوئیل و بنزین با سولفور خیلی پائین تبدیل می‌کند. بطور خلاصه به فرض اینکه بالانس عرضه و تقاضای سوخت‌های مایع چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح جهانی بر طبق سناریوی مرجع تحقق یابد، با توجه به مسائل و ریسک‌هایی که مذکور افتاد و بنظر می‌رسد که نقش تعیین‌کننده‌ای دارند، تعیین میزان عرضه از هر یک از منابع خاورمیانه‌ای اوپک بسیار دشوار است. در بخش بعدی چند سناریوی جایگزین در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته است.

### کشورهای افریقائی عضو اوپک

براساس سناریو مرجع، تولید اوپک در غرب افریقا از ۴/۴ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۲ به ۵/۹ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۴۰ خواهد رسید. نیجریه در سال‌های اخیر تولید خود در میدین آب‌های عمیق را افزایش داده است. اما تولید خشکی به لحاظ مشکلات زیرساختی و وقایعی مانند سرقت نفت و حمله به خطوط لوله محدود شده است و به نظر می‌رسد که این وضعیت در کوتاه و میان‌مدت نیز ادامه یابد. آنگولا نیز تولید نفت خود از آب‌های عمیق را افزایش داده است و با افزایش نسبی ثبات در این کشور، بنظر می‌رسد که فعالیت‌های اکتشاف و تولید در خشکی هم افزایش یابد. گزارشات تائید می‌کند که در حدود ۱۵۵۰۰ مایل مربع (حدود ۲۵ درصد) از حوضه رسوبی کوانزا (Kwanza) در خشکی گسترش یافته است. اعضاء اوپک در شمال افریقا شامل لیبی و الجزایر، رشد آرامتری را نسبت به هم‌تایان خود در غرب افریقا، تجربه خواهند نمود و تنها ۲۰۰ هزار بشکه به تولید آنها بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۴۰ اضافه خواهد شد.

### اعضاء اوپک در امریکای جنوبی

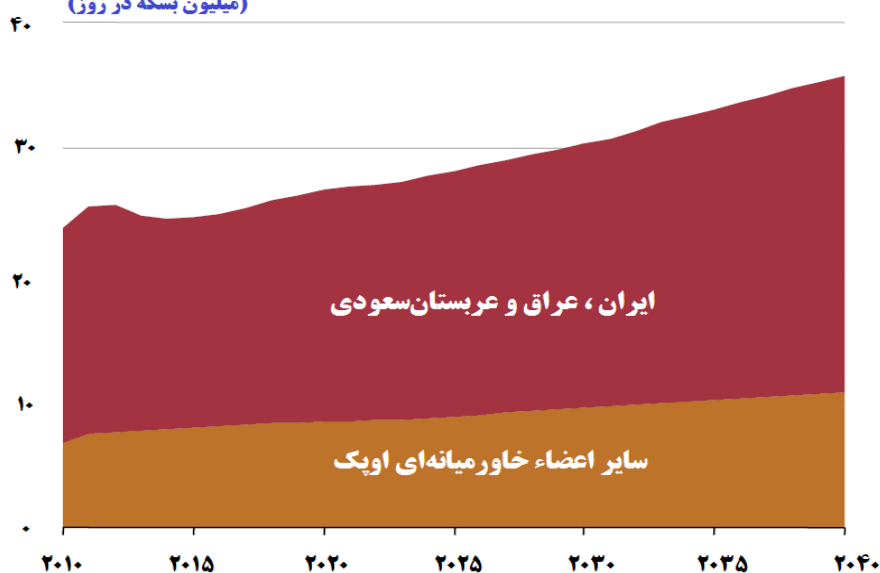
ونزوئلا عمده‌ترین تولید کننده عضو اوپک در امریکای جنوبی است و اکوادور در مرتبه بعدی قرار دارد. در ونزوئلا حجم عظیمی از ذخائر اثبات شده نفت فوق‌سنگین در کمر بند اورینوکو وجود دارد. اما رساندن این نفت به بازار سرمایه‌گذاری قابل توجهی می‌خواهد که جذب آن برای ونزوئلا بدون تغییراتی در سیاست‌های

این کشور مقدور نیست. براساس سناریوی مرجع، تولید نفت اوپک در امریکای جنوبی تنها ۴۰۰ هزار بشکه در روز تا سال ۲۰۴۰ افزایش خواهد داشت.

## برآورد تولید اصلی‌ترین تولیدکنندگان سوخت‌های مایع در خاورمیانه بر مبنای سناریوهای مختلف

پیش‌بینی بلندمدت تولید جهانی نفت و سایر سوخت‌های مایع با عدم اطمینان‌های بزرگی همراه است. روشن است که کشورهای دارای ذخائر بزرگ در مجموعه اوپک در خاورمیانه قرار دارند و در میان آنها ایران و عراق و عربستان دارای ذخائر عظیمی هستند که می‌تواند با هزینه نسبتاً کمی استخراج شود. فرض کنید که تولیدکنندگان کلیدی اوپک بر این تلاش استوار باشند که از طریق تنظیم عرضه، قیمت‌های جهانی نفت را مدیریت کنند، در اینصورت یکی یا بیشتر از یکی از سه تولیدکننده عمده اوپک باید نقش تولیدکننده شناور را بازی کنند. عدم اطمینان‌های قابل توجهی بر سر راه پیش‌بینی سطح تولید هر کشور خاص وجود دارد. چهار سناریوی محتمل در مورد تولید آینده سوخت‌های مایع در ایران و عراق و عربستان متصور است که توجه به آن در سناریوی مرجع از اهمیت برخوردار است.

چشم‌انداز تولید نفت اعضاء خاورمیانه‌ای (خلیج فارس) اوپک (بر مبنای سناریوی مرجع)  
(میلیون بشکه در روز)



مآخذ: گزارش چشم انداز ۲۰۱۳-۱۴ راه اطلاعات انرژی امریکا

در سناریوی مرجع، کل تولید سوخت‌های مایع در کشورهای خاورمیانه‌ای اوپک از ۲۵/۴ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۱ به ۳۵/۸ میلیون بشکه در روز در ۲۰۴۰ خواهد رسید. این سناریو بر این فرض استوار است که کل تولید سه کشور در سال ۲۰۱۱ حدود ۱۷/۹ میلیون بشکه در روز بوده و در سال ۲۰۴۰ به ۲۵/۱ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. سناریوهایی که در پی خواهد آمد نشان می‌دهد که دامنه تغییرات تولید سه کشور تحت نااطمینانی‌هایی که در مورد چشم‌انداز تولید سوخت‌های مایع آنها وجود دارد تا چه حد می‌تواند وسیع باشد.

### سناریوی ۱: تداوم روند گذشته

در این سناریو، فرض بر این است که تولید کل سه کشور در دوره چشم‌انداز، بر مبنای حفظ سهمشان (از کل تولیدشان) در سال ۲۰۱۱ ادامه یابد. سهم عربستان از تولید سه کشور در سال ۲۰۱۱ معادل ۶۲ درصد بوده که در صورت تداوم آن تولید این کشور در سال ۲۰۴۰ به ۱۵/۵ میلیون بشکه خواهد رسید. سهم ایران از تولید سه کشور ۲۴ درصد بوده که در صورت تداوم آن تولیدش در سال ۲۰۴۰ باید به ۵/۹ میلیون بشکه برسد و سهم ۱۴ درصد باقیمانده برای عراق نیز تولید این کشور در سال ۲۰۴۰ را به ۳/۷ میلیون بشکه در روز می‌رساند. در این سناریو که بر مبنای تداوم روندهای موجود می‌باشد، عربستان سعودی به تفوق خود در میان تولیدکنندگان خاورمیانه‌ای اوپک ادامه می‌دهد و عراق پیشرفت حادقلی دارد.

### سناریوی ۲: موفقیت عراق

در این سناریو فرض شده که عراق بتواند زیرساخت‌های تولید نفتش را ترمیم کند و بسیاری از مشکلات موجود که بیش از دو دهه اثر منفی بر صنعت نفت داشته است را بر طرف نماید. در این صورت تولید عراق از ۲/۶ در ۲۰۱۱ به ۸ میلیون بشکه در روز در ۲۰۳۰ و ۱۱ میلیون بشکه در روز در ۲۰۴۰ افزایش خواهد یافت. بقیه بین دو کشور ایران و عربستان بر اساس نسبت کل تولیدشان در ۲۰۱۱ (۷۲ درصد عربستان و ۲۸ درصد ایران) سرشکن می‌شود و تولید عربستان در ۲۰۴۰ کمتر از عراق و در سطح ۱۰/۲ میلیون بشکه خواهد بود.

### سناریوی ۳: موفقیت ایران

این سناریو شبیه سناریوی ۲ است ولی ایران را در رشد تولید جایگزین کرده است. در این حالت فرض می شود که ایران مشکلات موجود خود را حل کند. تحریم های بین المللی را بر طرف کند و جذابیت های لازم برای سرمایه گذاری را برای بازسازی و توسعه صنعت نفت خود، بوجود آورد. در اینجا ایران قادر خواهد بود تولیدش را در سال ۲۰۳۰ به رکورد ۶/۱ میلیون بشکه ای خود در ۱۹۷۴ برساند و سپس به ۸/۱ میلیون بشکه در ۲۰۴۰ برساند. بقیه بین عربستان و عراق بر اساس نسبت کل تولیدشان در ۲۰۱۱ (۸۱ درصد عراق و ۱۹ درصد عراق) سرشکن می شود و در نتیجه تولید عربستان به در ۲۰۴۰ به ۱۳/۸ میلیون بشکه و تولید عراق به ۳/۳ میلیون بشکه خواهد رسید که تنها اندکی از تولید ۲۰۱۱ این کشور بالاتر خواهد بود و با اهداف آن خیلی فاصله خواهد داشت.

### سناریوی ۴: موفقیت ایران و عراق و تامین بقیه توسط عربستان

در این آخرین سناریو تصور شده که تولید در هر دو کشور عراق و ایران به شدت افزایش خواهد یافت و عربستان حاضر باشد تولید خود را در حدی حفظ کند که سناریوی مرجع محقق شود. در این حالت پروفایل تولید عراق مطابق سناریوی ۲ و تولید ایران مطابق سناریوی ۳ خواهد بود و عربستان سعودی بخش باقیمانده از سناریوی مرجع (در مورد تولید سه کشور) را تولید خواهد نمود و تولید سوخت های مایعش به ۶ میلیون بشکه در ۲۰۴۰ خواهد رسید که کمی بیشتر از نیمی از تولید آن در ۲۰۱۱ خواهد بود.

خلاصه ای از نتایج این چهار سناریو در جدول زیر آمده است. این سناریوها دامنه وسیع تولید محتمل این سه کشور و دشواری پیش بینی با توجه به تنوع مسائل و مشکلات موجود را نشان می دهد. این دامنه تفاوت در ستون جداگانه ای نشان داده شده است. این دامنه برای ایران و عراق محدودتر از عربستان است.



تولید سوخت‌های مایع اوپک بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۴۰ بر مبنای سناریوی مرجع اداره اطلاعات انرژی آمریکا،

تحت سناریوهای مختلف از تولید سه کشور ایران، عراق و عربستان

(ارقام تولید بر حسب میلیون بشکه در روز)

دامنه تفاوت در سناریوهای مخفف	۲۰۴۰				۲۰۱۱		منطقه / کشور
	سناریوی ۴ (موفقیت ایران و عراق)	سناریوی ۳ (موفقیت ایران)	سناریوی ۲ (موفقیت عراق)	سناریوی ۱ (تداوم روند)	سهام از تولید سه کشور	مقدار تولید	
۹/۵	۶	۱۳/۸	۱۰/۲	۱۵/۵	۶۲	۱۱/۱	عربستان سعودی
۴/۲	۸/۱	۸/۱	۳/۹	۵/۹	۲۳	۴/۲	ایران
۷/۷	۱۱	۳/۳	۱۱	۳/۷	۱۵	۲/۶	عراق
	۱۰/۷	۱۰/۷	۱۰/۷	۱۰/۷	سهم از تولید	۷/۵	سایر اعضا خاورمیانه‌ای اوپک
	۳۵/۸	۳۵/۹	۳۵/۸	۳۵/۸	۷۲	۲۵/۴	کل اوپک خاورمیانه
	۹/۴	۹/۴	۹/۴	۹/۴	۱۹	۶/۷	اعضای آفریقایی اوپک
	۳/۴	۳/۴	۳/۴	۳/۴	۹	۳	اعضای آمریکایی اوپک
	۴۸/۹	۴۸/۹	۴۸/۹	۴۸/۹		۳۵/۱	کل اوپک

منبع: سه سطر اعضای آفریقایی و آمریکایی و کل اوپک و ستون سهم از تولید سه کشور با استفاده از اطلاعات گزارش چشم‌انداز توسط

نگارنده اضافه شده و بقیه عیناً مطابق جدول چشم‌انداز اداره اطلاعات انرژی آمریکا است

## نقد و تحلیل

در مورد این بخش از گزارش چشم‌انداز سال ۲۰۱۳ اداره اطلاعات آمریکا، نکاتی مهمی قابل توجه و تامل

است که ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. از این گزارش به خوبی استنباط می‌شود که اداره اطلاعات انرژی تداوم قیمت‌ها در سطوح فعلی را طالب

است و آنرا برای تداوم سیاست‌های انرژی ایالات متحده ضروری می‌داند و سناریوی‌های خود از تولید

اوپک و اعضای کلیدی آن را نیز طوری طراحی و ارائه نموده است که قیمت‌های سناریوی مرجع آن، تحقق

یابد. پیش‌بینی EIA از قیمت نفت برنت که در بخش دیگری از چشم‌انداز، ارائه شده است به شرح جدول

زیر است.

### پیش‌بینی قیمت نفت خام برنت در سه سناریو

(دلار ۲۰۱۱ در هر بشکه)

سال	سناریوی مرجع	سناریوی قیمت پایین	سناریوی قیمت بالا
۲۰۱۰	۸۱	۸۱	۸۱
۲۰۱۵	۹۶	۷۹	۱۳۴
۲۰۲۰	۱۰۶	۶۹	۱۵۵
۲۰۲۵	۱۱۷	۷۰	۱۷۳
۲۰۳۰	۱۳۰	۷۲	۱۹۲
۲۰۳۵	۱۴۵	۷۳	۲۱۳
۲۰۴۰	۱۶۳	۷۵	۲۳۷

همانطور که ملاحظه می‌شود در سناریوی مرجع که مورد استناد EIA است در واقع روند فعلی قیمت‌های حقیقی تداوم یافته است.

۲. گزارش چشم‌انداز بر نقش تنظیم‌گری اوپک و خصوصاً تولیدکنندگان اصلی آن در بازار، برای تنظیم عرضه در سطحی که دامنه قیمت‌های مورد نظر حفظ شود، تاکید دارد به سابقه ایفای این نقش توسط عربستان اشاره می‌کند و تداوم این نقش را توسط عربستان یا سه کشور اصلی اوپک (ایران و عربستان و عراق) ضروری می‌داند و طبیعتاً ایفای این نقش مستلزم در اختیار داشتن ظرفیت مازاد تولید است که تلویحاً به آن اشاره می‌کند، در بخش دیگری از گزارش (که در ادامه همین بخش و در مورد تاثیر نفت خام‌های غیرمرسوم است) اشاره می‌کند که در سال ۲۰۱۲ علیرغم افزایش ۸۴۶ هزاربشکه در روز تولید نفت ایالات متحده از محل نفت خام‌های غیرمرسوم، میزان ظرفیت‌های مازاد تولید از استاندارد تاریخی سال‌های اخیر آن کمتر بوده است و اشاره می‌کند که اگر ظرفیت‌های مازاد به حد قابل توجهی پائین باشد، احتمال افزایش شدید در قیمت جهانی نفت بالا می‌رود.

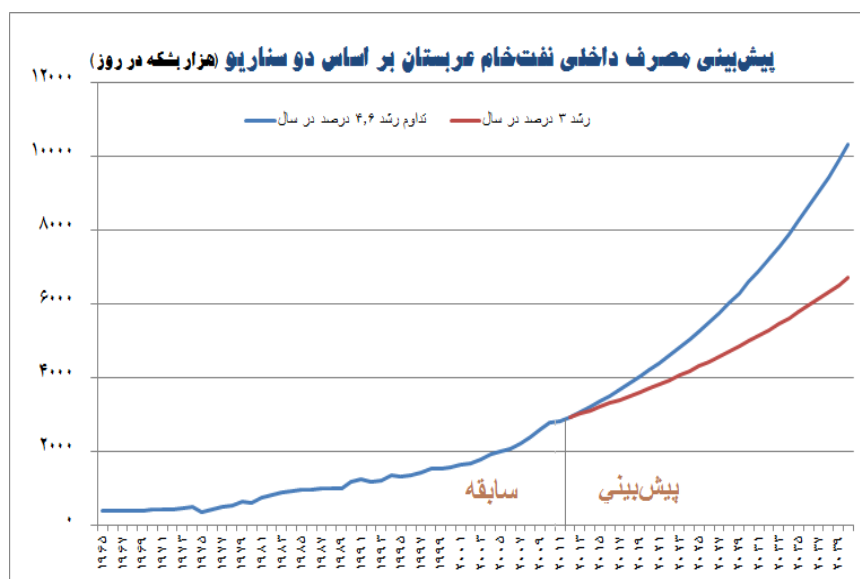
۳. با توجه به دو مورد فوق بطور روشن دیدگاه این چشم انداز این است که ظرفیت تولید اوپک نه باید آنقدر زیاد باشد که قیمت‌های جهانی نفت را کاهش دهد و نه باید آنقدر کم باشد که پتانسیل افزایش شدید قیمت در شرایط بحرانی بازار را فراهم کند. به همین لحاظ تصریح می‌کند که: "سطح تولید این کشورها باید دارای همبستگی منفی باشد، تحقق ظرفیت و تولید بالاتر در یک کشور باید با ظرفیت و تولید کمتر در سایر کشورها همراه باشد تا بالانس بازار حفظ شود" و به نوعی اظهار نگرانی می‌کند که آیا این سه کشور اصلی حاضر خواهند بود که به نقش تنظیم‌گری خود ادامه دهند؟ با عنایت به همین موضع است که EIA سناریوسازی‌های خود در مورد تولید سه کشور را به چهار سناریو محدود می‌کند و سناریوی چهارم این است که اگر ایران و عراق هر دو موفق به حل مشکلاتشان شوند و تولیدشان را بالا ببرند ظرفیت تولید عربستان باید در سال ۲۰۴۰ به ۶ میلیون بشکه در روز محدود شود. در صورتی که به سادگی به ذهن می‌آید که سناریوی پنجمی هم وجود دارد ایران و عراق و عربستان هر سه به حداکثر تولید مقدور خود (از نظر EIA) برسند که در این صورت مجموع ظرفیت تولید سه کشور می‌تواند به بیش از ۳۵/۵ میلیون بشکه در روز برسد در صورتیکه این چشم‌انداز مجموع تولید این سه کشور را به ۲۵/۱ میلیون بشکه در روز محدود کرده است.

۴. اعداد برتر سناریوهای IEA در مورد تولید سه کشور تا حدود زیادی اغراق آمیز است. در مورد ایران در صورت به نتیجه رسیدن همه فازهای پارس جنوبی و طرح‌های گازی حدود ۱/۵ میلیون بشکه میعانات گازی تولید خواهد شد و حدود ۴/۵ میلیون بشکه ظرفیت تولید نفت نیز امکان‌پذیر بنظر می‌رسد. اما حداقل در مورد پتانسیل نهائی تولید نفت عراق و عربستان و خصوصا عراق، نقد و بررسی‌های زیادی شده است و امروز کمتر مرجع معتبری تحقق تولید ۱۱ میلیون بشکه برای عراق و ۱۵،۵ میلیون بشکه در روز برای عربستان را امکان‌پذیر می‌داند و بعید است که سناریو نویسان EIA (که تسلطشان به موضوعات در کل سند چشم‌انداز ارائه شده مشخص است)، از این تحلیل‌ها بی‌اطلاع باشند. بنابراین این احتمال وجود دارد که در واقع تقاضا

برای نفت اوپک و این سه کشور در افق مورد بررسی حتی کمتر از این است و در واقع چشم انداز EIA سعی دارد این واقعیت را در بین این اعداد و ارقام بیوشاند.

۵. از دیدگاه ژئوپلیتیکی تحقق سناریو چهارم می تواند برای هیئت حاکمه عربستان نگران کننده و خطرناک باشد، بدون شک موقعیت و جایگاه بی بدیل عربستان در تامین نفت جهان با بیش از ۶ میلیون بشکه توان صادراتی نفت، نقش تعیین کننده ای در حفظ امنیت این کشور داشته است، اگر چنین جایگاهی نبود شاید قدرت های جهانی اجازه می دادند که امواج تحولات منطقه عربی موسوم به بهار عربی به این کشور هم راه یابد. حمایت از رژیم کاملاً غیردموکراتیک و منسوخته یک نقطه ضعف در کارنامه امریکا و غرب است که بدلیل جایگاه عربستان اجتناب ناپذیر بوده است و حتی بعضی رژیم ها مانند رژیم حاکم بر بحرین نیز تداوم حیات خود را مرهون این جایگاه عربستان سعودی هستند. شاید اگر این نگرانی برای غرب وجود نداشت که موفقیت تحول خواهان در بحرین، موجب تشجیع شیعیان مناطق شرقی و نفت خیز عربستان خواهد شد و دامنه تحول خواهی را به عربستان خواهد کشید، تحولات بحرین به گونه دیگری رقم می خورد و اجازه دخالت عربستان در امور داخلی بحرین داده نمی شد. برخورد دوگانه امریکا و غرب در مورد بحرین و اردن در قیاس با تونس و لیبی و سوریه، به هر حال لکه منفی در کارنامه غرب است.

۶. نکته قابل توجه این است که مصرف داخلی نفت خام عربستان سعودی طی ۴۷ سال گذشته با رشد متوسط ۴/۶ درصد در سال همراه بوده است. در نمودار زیر تداوم رشد مصرف نفت خام عربستان در دو حالت تداوم روند گذشته و رشد ۳ درصد در سال (که حداقل قابل تصور است) ترسیم شده است.



منبع: محاسبه نگارنده بر مبنای داده‌های بی‌پی

همانگونه که ملاحظه می‌شود حتی با فرض متوسط رشد ۳ درصد در سال در مصرف نفت خام داخلی عربستان، مصرف نفت این کشور در سال ۲۰۴۰ به بیش از ۶ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. این بدین معنا است که در صورت تحقق سناریوی چهارم EIA (در مورد تولید نفت سه کشور ایران و عراق و عربستان)، عربستان از بازار جهانی نفت حذف خواهد شد.

۷. سناریو چهارم نشان می‌دهد که شاید ایالات متحده بی‌رقبت نباشد که در صورت حل مشکلات ایران و عراق وابستگی جهانی به نفت عربستان قطع شود و امکان تغییر و تحول در عربستان فراهم شود. خصوصاً که سلفی‌گری از عربستان منشاء گرفته و منبع تامین مالی آن نیز عمدتاً عربستان بوده است. نتیجه این که بر مبنای چنین سناریوهایی رژیم عربستان حل مشکلات عراق و ایران را برای خود یک تهدید جدی تلقی خواهد نمود.

۸. برخورد گزارش چشم‌انداز مورد بحث در مورد تولید نفت ایران با چشم‌اندازهای میان‌مدت و بلندمدت سال‌های اخیر اداره اطلاعات انرژی امریکا و آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) متفاوت است. چشم‌اندازهای سال‌های اخیر تقریباً بر مبنای کنار گذاشتن ایران از بازار جهانی نفت طراحی شده بود. باید دید که با توجه به

زمان انتشار چشم انداز مورد بحث (مرداد ۹۲)، تجدیدنظر در مورد تولید ایران تا چه حد تحت تاثیر انتخابات

اخیر ریاست جمهوری ایران است!

در مورد تولید گاز طبیعی ایرن نیز در این چشم انداز پیش بینی شده است که میزان آن از ۱۴۵/۶

میلیاردمترمکعب در سال ۲۰۱۰ با رشد متوسط سالانه ۲/۴ درصدی، دوبرابر خواهد شد و به حدود ۲۹۶/۸

میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۴۰ خواهد رسید.